

غیر قابل فروش

خوردید ماه

ماہنامہ محتوایی ویژه محافل

و جلسات قرآن و عترت علیہم السلام

شماره پانزده - تیر ۱۴۰۵



«السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ
وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ
وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ»



ماهنامه محتوایی ویژه مبلغان
ومریان قرآن و عترت

شماره پانزده - تیر ۱۴۰۵

پرنفاز قرآن کریم



تهیه شده در:

بدیع (دستیار ایده و محتوای قرآنی)

هرگونه استفاده و ترویج خورشید و ماه در
منابر، کلاس‌ها، جلسات و محافل قرآنی **جایز**
و موجب خوشحالی تولیدکنندگان است.

نویسندگان:

مرتضی حاجی‌وند

طراح لوگو: حسن کریمی

صفحه‌آرایی: غلامعلی جزینی



همه روز باید ملت ما این معنا را داشته باشد که امروز روز عاشورا است و ما باید مقابل ظلم بایستیم؛ و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را ما پیاده کنیم، انحصار به یک زمین نداشته؛ انحصار به یک افراد نداشته. قضیه کربلا منحصر به یک جمعیت هفتاد و چند نفری و یک زمین کربلا نبوده. همه زمین‌ها باید این نقشه را اجرا کنند، و همه روزها غفلت نکنند.

صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۱۲۳.



هیچ وقت نباید امت اسلامی و جامعه اسلامی ما اجرای عاشورا را به عنوان یک درس، به عنوان یک عبرت، به عنوان یک پرچم هدایت از نظر دور بدارد. قطعاً اسلام زنده به عاشورا و به حسین بن علی علیه السلام است. همان طور که فرمود: «و انا من حسین»؛ بنابراین معنا، یعنی دین من، ادامه راه من، به وسیله حسین علیه السلام است. اگر حادثه عاشورا نبود، اگر این فداکاری عظیم در تاریخ اسلام پیش نمی آمد، این تجربه، این درس عملی، به امت اسلامی داده نمی شد و یقیناً اسلام دچار انحرافی می شد از قبیل آنچه که ادیان قبل از اسلام دچار آن شدند و چیزی از حقیقت اسلام، از نورانیت اسلام باقی نمی ماند. عظمت عاشورا به این است.

بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان و

فعالان طرح «صالحین»، ۱/۹/۱۳۹۱.

فهرست مطالب

۷ برای شروع...

۸ برای مربیان و مبلغان

۱۰ خورشید (مناسبت‌های شمسی)

۱۱ ۱ تیر - روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی

۷ تیر - سالروز شهادت شهید آیت‌الله بهشتی و

۲۰ روز قوه قضاییه

۱۲ تیر - سالروز حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری

۲۹ جمهوری اسلامی ایران

۲۱ تیر - سالروز حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار

۳۷ مردم به دست رضا خان - روز عفاف و حجاب

۴۵ ماه (مناسبت‌های قمری)

۹ و ۱۰ محرم - تاسوعا و عاشورای حسینی

۱۲ محرم - شهادت امام زین العابدین علیه السلام



برای شروع

سال‌ها پیش ایده‌های شکل گرفت برای شناساندن مناسبت‌های شمسی و قمری تقویم به مردم. بسیاری از مناسبت‌ها در تقویم درج شده‌اند اما کمتر کسی از ما می‌داند که دلیل اهمیت آن‌ها یا داستان‌شان چیست. بعد از چندی، این ایده تغییر کرد و با محوریت قرآن شکیلی نو به خود گرفت و شد آنچه که اکنون پیش روی شماست: «خورشید و ماه»؛ ماهنامه‌ای برای معرفی مناسبت‌ها و پیوند آن‌ها به آیات قرآن و سخنان اهل بیت علیهم‌السلام.

گرچه این ماهنامه برای عموم افراد قابل استفاده است اما در نگاه اول، برای فعالان قرآن و عترت تولید شده است. اگر مربی، مبلغ، معلم یا برگزارکننده جلسات و کلاس‌های مذهبی هستید، «خورشید و ماه» می‌تواند همراه مناسبی برای شما باشد. در هر شماره از این مجله، برای هر مناسبت یک آیه محوری انتخاب شده است؛ بعد از توضیح مناسبت، پیوند آن با آیه مورد بررسی قرار گرفته است و در ادامه نیز روایاتی از اهل بیت علیهم‌السلام و بیاناتی از رهبر معظم انقلاب مدته آورده شده تا بهره‌م مخاطب از خوان معنوی کامل شود.

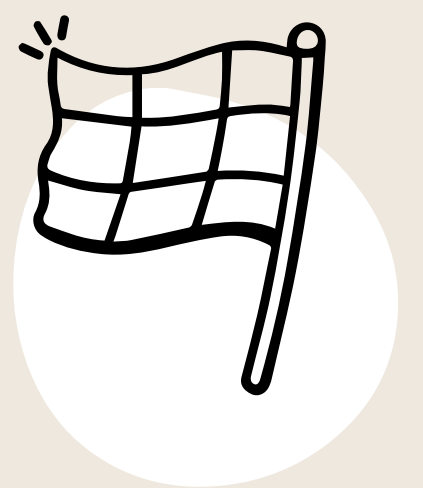
مزید امتنان است که ما را از نظرات ارزشمندتان بی‌نصیب نگذارید. بی‌شک نظرات شما چراغ راه ادامه مسیر این کار کوچک خواهد بود؛ ان شاء الله.

برای مریبان و مبلغان

فارغ از نوع فعالیت شما - جلسات خانگی قرآن، هیئت‌های مذهبی، پایگاه‌های بسیج یا سایر محافل - می‌توانید از این شیوه‌نامه برای ارائه مؤثر محتوای «خورشید و ماه» استفاده نمایید. دقت کنید که این روش، الگوی پیشنهادی ماست و شما باید با خلاقیت خود و با در نظر گرفتن ویژگی‌های مخاطبان، زمان و شرایط خاص منطقه خود، آن را مناسب‌سازی کنید.

۱. گام اول: شروع (۱۰ دقیقه)

جلسه را با توضیحی مختصر و جذاب درباره موضوع شروع کنید. این بخش باید به گونه‌ای طراحی شود که ذهن مخاطبان را برای درک بهتر محتوا آماده سازد.



۲. گام دوم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

در صورت حضور افرادی که درباره موضوع آگاهی یا تجربه‌ای دارند، فرصتی فراهم کنید تا به بیان خاطرات یا اطلاعات خود بپردازند. این کار باعث افزایش مشارکت و جذابیت جلسه خواهد شد.



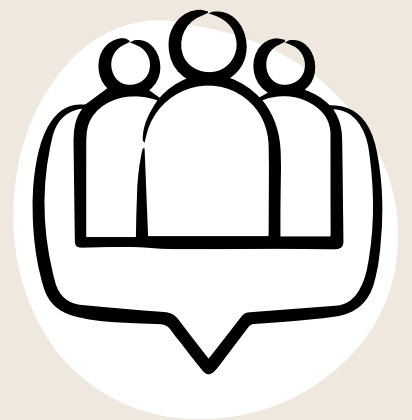
۳. گام سوم: تلاوت آیه (۵ دقیقه)

مربی یا یکی از شرکت‌کنندگان آیه را تلاوت کنند. سعی کنید همه افراد را به مشارکت در تلاوت تشویق و در صورت نیاز، تلاوت آیه را تکرار کنید. همچنین، بیان ترجمه قابل فهم آیه را فراموش نکنید.



۴. گام چهارم: مشارکت مخاطب (۱۰ دقیقه)

پیش از ارائه تفسیر و توضیح، از مخاطبان بخواهید برداشت شخصی خود از آیه را بیان کنند و ارتباط آن را با مناسبت مورد بحث مطرح نمایند. این گفت‌وگوی گروهی به فهم عمیق‌تر و ماندگارتر پیام جلسه کمک می‌کند.



۵. گام پنجم: جمع‌بندی (۱۰ دقیقه)

با اشاره به مفهوم محوری آیه و پیوند آن با مناسبت، مطالب را جمع‌بندی کنید و مصادیق عملی این آیه را در زندگی روزمره بیان کنید.



۶. گام ششم: عهد

در پایان، با شرکت‌کنندگان عهد ببندید تا مفاهیم آیه را در زندگی خود به کار ببندند.





مناسبت‌های شمسی

۱ تیر: روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی

۷ تیر: سالروز شهادت شهید آیت‌الله بهشتی و

روز قوه قضاییه

۱۲ تیر: سالروز حمله آمریکا به هواپیمای

مسافربری جمهوری اسلامی ایران

۲۱ تیر: سالروز حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار

مردم به دست رضا خان - روز عفاف و حجاب



اتیر - روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی

آیه محوری



﴿الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾؛ «آنان [کسانی اند] که تبلیغ رسالت خدا کنند و از خدا می ترسند و از هیچ کس جز خدا واهمه ندارند و خدا برای حسابرسی [آنها] به تنهایی کفایت می کند.»

۱. سوره مبارکه احزاب/۳۹.

دربارهٔ مناسبت

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، نیاز به نهادی منسجم برای هدایت، نظارت و سازمان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی، مذهبی و اندیشه‌ای در جامعه احساس شد. بر همین اساس، در اول تیرماه سال ۱۳۶۰، با فرمان امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، نهادی پایه‌گذاری شد که امروزه با نام «سازمان تبلیغات اسلامی» شناخته می‌شود. هدف بنیادین از تأسیس این سازمان، مقابله با تهاجم فرهنگی، تبیین ارزش‌ها و الگوهای دینی و انقلابی و پاسخ‌گویی به شبهات فکری جامعه بود.

اگرچه در گذشته مفهوم تبلیغ مذهبی عمدتاً به حضور فیزیکی در مساجد و منابر سنتی محدود می‌شد، اما در دهه‌های اخیر این رسالت ابعاد گسترده‌تر و پیچیده‌تری به خود گرفته است. امروزه مبلغان دینی با حفظ ماهیت رسالت خود، در بسترهای متفاوتی ایفای نقش می‌کنند؛ به طوری که از یک سو با حضور در دورافتاده‌ترین روستاها و شهرهای حاشیه‌ای کشور به ارتقای سطح معرفتی، پاسخ‌گویی به نیازهای شرعی و مشارکت در امور جهادی و عمرانی می‌پردازند و از سوی دیگر، با فعالیت در عرصهٔ

بین‌المللی و کشورهای مختلف چهره واقعی اسلام را معرفی کرده و به تعامل فکری با اقلیت‌های مسلمان و گفت‌وگوی بین‌دینی همت می‌گمارند. علاوه بر این، مبلغان با عبور از قالب‌های صرفاً سنتی و ورود به دنیای رسانه‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و بازی‌های رایانه‌ای، از ظرفیت‌های فضای مجازی و رسانه‌های نوین بهره می‌برند تا با استفاده از ادبیات روز و ابزارهای چندرسانه‌ای، ارتباطی مؤثر و پویایی با نسل جوان برقرار کنند.

یکی از شاخصه‌های اصلی اطلاع‌رسانی دینی موفق، پذیرا بودن تغییرات و هماهنگی با شرایط خاص هر دوره است؛ چراکه فرم و محتوای تبلیغ همواره تابعی از نیازهای جامعه قلمداد می‌شود. بر این اساس، مبلغان در دوران دفاع مقدس با حضور در میادین نبرد و پیوند تبیین با عمل و حضور خود، علاوه بر تقویت روحیه پایداری به تشریح مفاهیم جهاد، شهادت و پشتیبانی معنوی از جبهه‌ها همت می‌گماشتند. در دهه‌های بعد نیز با بروز بحران‌های جدید اجتماعی و بهداشتی نظیر شیوع کرونا، رویکرد تبلیغی جامعه روحانیت به سرعت با نیازهای روز هماهنگ شد؛ به طوری که مبلغان با حضور ایثارگرانه در بیمارستان‌ها جهت کمک به کادر درمان، روحیه بخشی به بیماران، توزیع

کمک‌های مؤمنانه و ارائه مشاوره‌های مذهبی، نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های روحی و اجتماعی جامعه ایفا کردند. در نهایت، روز تبلیغ و اطلاع‌رسانی دینی یادآور پویایی رسانه‌ای است که تلاش می‌کند فارغ از نوع ابزار پیام دین را متناسب با نیاز انسان عرضه کند.

ارتباط آیه و مناسبت



بنابر آیه شریفه، نخستین رکن تبلیغ را می‌توان خشیت الهی دانست؛ بدین معنا که تبلیغ باید از تعلیمات الهی سرچشمه گرفته و در مسیر رضای او باشد، چراکه هرگونه انحراف از این محور، ره‌سپاری به سوی ضلالت است. در واقع، بصیرت و فهم حقیقت فقط در پرتوی خشیت الهی میسر می‌گردد. رکن دوم که در مقام بیان حق عینیت می‌یابد، شجاعت معنوی و نفی هرگونه هراس از غیر خداست. از آنجا که تبیین حقیقت در طول تاریخ همواره با تقابل صاحبان قدرت و طواغیت عالم مواجه بوده است، مبلغ باید با عبور از تمامی ترس‌های بشری اعم از تهدیدات جانی، مالی، حیثیتی و حتی فشارهای اجتماعی، صراحتاً به وظیفه خود عمل کند.

در این میان، آیه با عبارت ﴿وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا﴾ بر ضرورت

اخلاص تأکید می‌ورزد. مبلغ باید با تکیه بر شجاعت و شهامت، نتیجه و محاسبات دنیوی را به خداوند واگذار می‌کند. این الگوی قرآنی، قواره کلی تبلیغ است که در آن، اقدام آگاهانه و شجاعانه فقط با محوریت جلب رضایت پروردگار معنا می‌یابد.

کلام معصوم



أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَسْنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ.»
 امام صادق عليه السلام: «صرفاً با زبانتان داعی و مبلغ نباشید، بلکه بگذارید مردم از شما پارسایی، تلاش، نماز و نیکی ببینند، که همین‌ها خود دعوت‌گرند.»

عزم سخن رهبر شهید رحمة الله عليه

امروز نگاه رایج در حوزه‌های علمیّه این است که تبلیغ در مرتبه دوّم قرار دارد. ما از این نگاه باید عبور کنیم.

۱. وسائل الشیعة؛ ج ۱، ص ۷۶.



تبلیغ، مرتبهٔ اوّل است. هدف دین را چه می‌دانیم؟ خب یک هدف نهایی داریم که عبارت است از این‌که ما را در مسیر خلیفة‌اللهی، در مسیر انسان کامل ارتقاء بدهد، بالا ببرد. هدف‌های میانی و ابتدایی هم وجود دارد؛ مثلاً اقامهٔ قسط: ﴿لِيُقَوْمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛^۱ یا تشکیل نظام اسلامی: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾؛^۲ مرکز اطاعت، دین است؛ این یعنی تشکیل نظام اسلامی؛ این جزو اهداف دین است؛ هدف میانی است. یا فرض کنید که اقامهٔ معروف، اشاعهٔ معروف، ازالهٔ منکر، ترویج کلم طیب و عمل صالح: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾.^۳ هر کدام از این‌ها را که شما نگاه کنید، وسیله و ابزار رسیدن به آن، تبلیغ است؛ بدون تبلیغ نمی‌شود.

اولویّت حوزه‌ها تبلیغ است. در همهٔ دوره‌ها این جور بوده اما در دورهٔ ما بالخصوص این اهمیّت مضاعف است؛ برای این‌که در دورهٔ ما یک اتّفاقی افتاده است که در طول بیش از هزار سال از صدر اسلام چنین اتّفاقی نیفتاده بود؛ و آن حاکمیّت اسلام بود. تشکیل سازمان سیاسی

۱. سورهٔ مبارکهٔ حدید/۲۵.

۲. سورهٔ مبارکهٔ نساء/۶۴.

۳. سورهٔ مبارکهٔ فاطر/۱۰.



مدیریت کشور در شکل محتوای اسلامی سابقه ندارد. وقتی که یک چنین وضعی هست، طبعاً دشمنی‌های با اسلام شدت پیدا می‌کند؛ پس تبلیغ در دوره ما اهمیّت مضاعف پیدا می‌کند؛ هم از جهت این که در نظام اسلامی پایه و قوام نظام مردمند، ایمان مردم است و اگر چنانچه ایمان مردم نباشد، نظام نخواهد بود. ثانیاً از این جهت که دوره، دوره تطوّر علمی است. امروز انواع و اقسام شیوه‌های پراکندن پیام وجود دارد که در گذشته حتی فکرش را هم نمی‌کردند؛ از تلویزیون و ماهواره بگیرد تا اینترنت و پسااینترنت. خب، با یک چنین شرایطی که در دست دشمن شمشیرهای آخته بزان خون ریز وجود دارد، ما چه کار می‌خواهیم بکنیم؟ تبلیغ، اینجا اهمیّت مضاعف پیدا می‌کند. امروز، هم سخت‌افزارهای مخالف، معارض و معاند تطوّر پیدا کرده، پیشرفت پیدا کرده که اشاره کردم، هم نرم‌افزارها؛ شیوه‌های باورپذیر کردن پیام را با پشتیبانی علمی روانشناسی و امثال این‌ها رایج کردند؛ این‌ها ابزارهای نرم‌افزاری است، این‌ها خیلی مهم است. جوری حرف می‌زند، جوری فیلم درست می‌کند، جوری صحنه‌سازی می‌کند، جوری در روزنامه تیتراژ می‌زند که کسی که ملاحظه می‌کند، تردید نمی‌کند که این درست است؛ در

حالی که صد درصد غلط است. ما امروز با این‌ها مواجهیم. اگر از این چیزها غفلت کردیم، اگر امروز حوزه علمیّه از اهمّیت تبلیغ و حسّاسیت تبلیغ و مضاعف‌بودن وظیفه تبلیغ غفلت بکند، دچار عارضه‌ای می‌شویم که جبرانش به آسانی ممکن نیست؛ نمی‌گوییم محال است اما به آسانی ممکن [نیست] و دچار استحاله فرهنگی می‌شویم. اگر لاسمح‌الله استحاله فرهنگی پیش بیاید، درست‌کردنش، جبران‌کردنش دیگر کار یک‌ذره و دودزّه نیست. امام در یک مواردی مکرّر می‌فرمودند که اگر چنین اتّفاقی بیفتد، اسلام یک سیلی‌ای خواهد خورد که تا سال‌های متمادی اثرش بر روی او باقی خواهد ماند؛ قضیه این است. اگر غفلت بکنیم، از گناهان بزرگ قبح‌زدایی می‌شود، از کبائر قبح‌زدایی می‌شود، عادی می‌شود. می‌بینید که در غرب شده؛ در غرب همین‌طور قدم به قدم دارند پیش می‌روند. اگر تبلیغ را دست‌کم بگیریم، این‌ها دامن جامعه ما را خواهد گرفت.^۱

ایده‌های کنشگری



• از جمله آثار مکتوب و مصور در زمینه تبلیغ می‌توان

۱. بیانات در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور، ۱۴۰۲/۰۴/۲۱.



به سریال «مرهم» به کارگردانی محمدرضا آهنج، فیلم
سینمایی «طلا و مس» به کارگردانی همایون اسعدیان
و کتاب **دکل** اثر روح الله ولی ابرقویی و **مهاجرزندگی** نامه
شهید محمدحسین ابراهیمی - روحانی مبلغ شهید -
اشاره کرد. می‌توانید به معرفی آن‌ها در جلسه یا حتی در
یک ویدئو در شبکه‌های اجتماعی بپردازید.



۷ تیر - سالروز شهادت شهید آیت الله بهشتی و روز قوه قضاییه

آیه محوری



﴿وَلْتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ
أَشْرَكُوا أَذَىٰ كَثِيرًا ۚ وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ
الْأُمُورِ﴾؛ «و از زبان اهل کتاب و مشرکان آزار فراوان
خواهید شنید. اگر شکیبایی کنید و پرهیزگار باشید
نشان دهنده عزم استوار شماست.»

۱. سوره مبارکه آل عمران/۱۸۶.



دربارهٔ مناسبت



سید محمد حسینی بهشتی، در آبان ۱۳۰۷ در اصفهان و در خانواده‌ای روحانی و اهل فضل متولد شد. در ۱۴ سالگی دبیرستان را رها کرد تا حوزه مسیر آینده‌اش را رقم بزند. هوش سرشارش او را به قم و شاگردی بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ رساند. اما بهشتی در چارچوب‌ها نمی‌گنجید؛ او هم‌زمان دانشنامهٔ فلسفه را از دانشگاه تهران گرفت، به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و عربی مسلط شد و پنج سال مدیریت مرکز اسلامی هامبورگ را در قلب اروپا بر عهده گرفت. او شاید از تشکیلاتی‌ترین روحانیان و نظریه‌پردازان انقلاب بود؛ مردی که باور داشت اسلام برای تمام ابعاد بشر برنامهٔ حکومتی دارد.

با پیروزی انقلاب در سال ۱۳۵۷، بهشتی به معمار اصلی ساختارهای نوپای نظام تبدیل شد. او در قامت نایب‌رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی، دبیر شورای انقلاب، نخستین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی و سرانجام رئیس دیوان عالی کشور، موازی با بازسازی قوهٔ قضائیه، دژ استواری در برابر انحرافات ساخت.

همین نفوذ بی‌بدیل، او را به سیبل اول جریان نفاق



تبدیل کرد. او پیش از آن که با ترور فیزیکی حذف شود، آماج سنگین‌ترین شایعه‌سازی‌ها، تهمت‌ها و ترورهای شخصیت قرار گرفت. اما او با شجاعت و در عین حال مظلومیت خود، در میان غبار سنگین تهمت‌های جریان نفاق ایستادگی کرد تا ساختار قضایی و سیاسی کشور تثبیت شود.

خرداد ۱۳۶۰؛ ایران در یکی از پیچیده‌ترین بحران‌های تاریخ معاصر خود قرار دارد. با عزل بنی‌صدر، سازمان مجاهدین خلق فاز تروریستی خود را علنی می‌کند. خیابان‌های پایتخت به صحنه آشوب، وحشت و ترورهای کور تبدیل می‌شود. تشکیلاتی که روزی مدعی مجاهدت برای خلق بود، در کوران جنگ تحمیلی، اسلحه را به روی مردم و مسئولین می‌کشد؛ خط خیانتی آشکار که هدفش فروپاشی نظام از درون است. ششم تیرماه، آیت‌الله خامنه‌ای، امام جمعه وقت تهران، در مسجد ابوذر هدف سوءقصدی هولناک قرار می‌گیرد و به شدت مجروح می‌شود. این اولین پرده از سناریوی خونینی است که طراحان آن با اطمینان از یک‌سره شدن کار پس از پایان عملیات سخن می‌گویند

ساعت ۲:۳۰ شب یکشنبه، هفتم تیرماه ۱۳۶۰؛ سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در محله

سرچشمه تهران. محمدرضا کلاهی، مهره نفوذی سازمان منافقین، کیف حامل بمب رازیرتریبون و بمب دیگر را کنار ستون اصلی سالن کار گذاشته و خارج می‌شود. دقایقی بعد، با یک انفجار مهیب، ساختمان حزب فرو می‌ریزد.

در این فاجعه سهمگین، شهید آیت‌الله بهشتی به همراه ۷۲ تن از یاران انقلاب - شامل ۴ وزیر، ۱۲ معاون وزیر و ۲۷ نماینده مجلس - به شهادت می‌رسند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در پیام خود در پی شهادت ایشان فرمودند: «شهید بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام بود.» براساس نوار ضبط‌شده، جملات نیمه‌تمام ایشان قبل از انفجار نیز روشن‌گر ماهیت استعمار و نفاق و راهنمای مسیر بوده است: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برایمان مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند انتخاب شوند و...».

ارتباط آیه و مناسبت



در تبارشناسی رفتار تراز انقلاب اسلامی، مظلومیت مقتدرانه خصلتی ساختاری و برخاسته از معرفت دینی است. سیره عملی آیت‌الله بهشتی جلوه‌ای تام از پایداری

در برابر امواج سهمگین جنگ روانی و ترور شخصیت بود. نفاق و هم‌سویی ناآگاهانه برخی فریب‌خوردگان داخلی با این جریان استعماری-استبدادی، تلاشی نظام‌مند برای کشاندن ارکان حاکمیت به لبهٔ تقابل‌های فرساینده و قطبی‌سازی اجتماع بود.

آنچه هندسهٔ رفتاری شهید بهشتی را متمایز می‌سازد، ترجیح کلان‌روایت رشد جامعه بر منازعات فردی و حزبی بود. سکوت و دم‌برنیاوردن او در برابر حجم انبوه اتهامات و ملامت‌ها، ریشه در بینشی داشت که صیانت از انسجام ملی و حرکت به سوی مقاصد عالیۀ انقلاب را فراتر از دفاع از حیثیت شخصی می‌دانست. این مرام‌نامه در واقع بازتولید همان سنت تاریخی بزرگان دین و ائمهٔ معصومین علیهم‌السلام در مواجهه با جهل و کینه‌توزی بود.

این‌الگوبه‌عنوان یک میراث رفتاری، در ادوار بعدی حاکمیت نیز امتداد یافت. نمود عینی این مشی حکیمانه را می‌توان در هدایت جامعه توسط رهبر شهید امام خامنه‌ای رحمة‌الله‌علیه و همچنین رفتار شهید رئیسی مشاهده کرد که علی‌رغم تحمل بیشترین حمله‌های رسانه‌ای و تهمت‌های بیگانگان - که گاه با بی‌بصیرتی برخی جریان‌های داخلی بازنشر می‌شد - هرگز از مدار اخلاق خارج نشدند. آنان با نفی دو قطبی‌های

کاذب و مخرب، بستر جامعه را از چالش‌های فرساینده مصون نگه داشتند. در این افق تحلیلی، پایداری، صبوری و اتکا به اراده‌های استوار و عزم‌های آهنین در مسیر انجام تکلیف، نه تنها انفعال نیست، بلکه عملی ثبات‌آفرین و مشروعیت‌زا در ساختار نظام اسلامی است.

کلام معصوم



أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَاللَّهِ لَأُسْلِمَنَّ مَا سَلِمَتْ أُمُورُ
الْمُسْلِمِينَ وَلَمْ يَكُنْ فِيهَا جَوْرٌ إِلَّا عَلَيَّ خَاصَّةً التَّمَّاساً
لِأَجْرِ ذَلِكَ وَفَضْلِهِ وَزُهْداً فِيمَا تَنَافَسْتُمُوهُ مِنْ زُخْرِفِهِ وَ
زُبْرَجِهِ»^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام: «به خدا سوگند، مادامی که کار مسلمانان بسامان باشد و جز بر من بر دیگران ستمی نرود، سکوت اختیار می‌کنم تا از این طریق پاداش و فضل الهی را به دست آورم و در برابر زر و زیورهایی که شما به خاطر آن با یکدیگر رقابت دارید، پارسایی ورزیده باشم.»

۱. نهج البلاغة؛ خطبة ۷۴.



سخن رهبر شهید ^{رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ} عرس

خاصیت طبیعی شهادت، ایجاد برکت و تداوم و گشایش در حرکت به سمت تعالی و کمال است. به گمان من، از جمله برترین‌های این راه، شهدای هفتم تیر بودند. بسیاری از این‌ها را ما از نزدیک می‌شناختیم؛ یا در جریان مبارزات، یا در جریان حوادث بعد از پیروزی انقلاب، این‌ها را آزموده بودیم، دیده بودیم، شناخته بودیم؛ حقیقتاً جان بر کف دست داشتند و آماده شهادت بودند. اگر به آن‌ها خبر می‌رسید که در این راه شهید خواهند شد، نه فقط مرعوب نمی‌شدند، خائف نمی‌شدند، بلکه خرسند می‌شدند؛ بشارتی بود برای آن‌ها. در رأس همه آن‌ها هم شهید بزرگوار و عزیز ما، شهید آیت‌الله بهشتی بود؛ یک انسان معتقد، مؤمن، مخلص، صادق، جدی در کار؛ آنچه می‌گفت، معتقد بود و به آنچه معتقد بود، در عمل ملتزم بود. خطر را هم می‌شناخت؛ می‌دانست میدان، میدان مین است. هر آنی، هر ساعتی بیم از دست دادن جان هست؛ لیکن در عین حال بی‌محابا، با نگاه به هدف، در این راه پیش می‌رفت و نمی‌هراسید. یکی از خصوصیات این شهید عزیز این بود. منطقی بود، پایبند به اصول و مبانی بود؛ یک اصول‌گرای به معنای حقیقی کلمه محسوب می‌شد. بر سر اصول با کسی



ملاحظه نمی‌کرد. ما می‌دیدیم؛ بعضی‌ها سعی می‌کردند با حيله و ترفند و روش‌های متعارف و معمول، او را جذب کنند یا از مواضع خود تنزل بدهند، او را وادار به مماشات کنند؛ لیکن او بر سر مواضع خود محکم ایستاده بود. شخصیت‌های تاریخی و اثرگذار، این جور شکل می‌گیرند؛ این جور در جامعه ظهور می‌کنند و ماندگار می‌شوند؛ ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا﴾^۱ گفتن آسان است؛ عمل کردن دشوار است؛ استمرار عمل به مراتب دشوارتر است. بعضی فقط می‌گویند؛ بعضی این گفته را در عمل هم نشان می‌دهند، اما نمی‌توانند در مقابل حوادث عالم، در مقابل طوفان‌ها، در مقابل تمسخرها، در مقابل طعنه‌زدن‌ها، در مقابل دشمنی‌های غیرمنصفانه طاقت بیاورند، لذا متوقف می‌شوند؛ بعضی به این اکتفاء هم نمی‌کنند که متوقف بشوند، عقب‌گرد می‌کنند؛ می‌بینید دیگر. آن کسی که می‌گوید، از سر اعتقاد خالص و جازم؛ و می‌ایستد بر سر گفته خود، از سر تصمیم مؤمنانه و شجاعانه و استمرار می‌دهد این حرکت را با صبری که خدای متعال در قرآن فرموده است: ﴿وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ﴾^۲ مایه محبت خدای متعال

۱. سوره مبارکه فصلت/۳۰.

۲. سوره مبارکه آل عمران/۱۴۶.



است- این ارزش پیدا می‌کند؛ این می‌شود شخصیتی که نام او اثر می‌گذارد، راه او برای رهروان دستور راه می‌شود و چهره او باقی می‌ماند. رحمت خدا بر شهید بهشتی؛ رحمت خدا بر آن کسانی که با او به شهادت رسیده‌اند؛ رحمت خدا بر شهدای راه اسلام. و اثر نقد و فوری این شهادت این بود که نظام اسلامی در آن واحد، هم خلوص بیشتری پیدا کرد، هم حقانیت او ثابت شد، هم واقعیت او در جامعه استقرار پیدا کرد. خاصیت این شهادت، این بود. نقاب‌ها از چهره‌ها افتاد، منطق مستحکم جمهوری اسلامی و منطق امام بزرگوار تثبیت شد و نظام نوپای جمهوری اسلامی، آن روز استحکام پیدا کرد؛ توانست حرکت کند!

ایده‌های کنشگری



- از جمله آثار در زمینه تبیین فاجعه هفتم تیر می‌توان به مستند «ترور در سرچشمه» به کارگردانی محمدحسین مهدویان اشاره کرد. از آثار برجسته خود شهید نیز می‌توان شناخت اسلام، باید‌ها و نبایدها، ولایت، رهبری، روحانیت نام برد.

۱. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۰۴/۲۱.





۱۲ تیر - سالروز حمله آمریکا به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران

آیه محوری



﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ﴾؛ «گمان
مبر که خدا، از آنچه ظالمان انجام می دهند، غافل
است!»

۱. سوره مبارکه ابراهیم/۴۲.



دربارهٔ مناسبت



۴۲ سال پیش از کشتار مدرسهٔ شجرهٔ طیبه در میناب. تابستان ۱۳۶۷؛ جنگ ایران و عراق به هشتمین سال خود رسیده است. خلیج فارس روزهای پراالتهابی را پشت سر می‌گذارد. آمریکا با ناوهای جنگی خود، فرسنگ‌ها دورتر از مرزهایش حضور گسترده‌ای در منطقه دارد.

صبح یکشنبه دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷؛ فرودگاه بندرعباس. پرواز شماره ۶۵۵ ایران‌ایر با ۲۷۴ مسافر و ۱۶ خدمه آمادهٔ پرواز به مقصد دبی است. در میان مسافران، ۶۶ کودک نیز حضور دارند. پرواز قرار است کمتر از نیم ساعت به طول بینجامد. ساعت ۱۰:۱۷ صبح؛ هواپیما از باند فرودگاه برخاسته و مسیر خود را بر فراز خلیج فارس آغاز می‌کند. هواپیما کدهای شناسایی غیرنظامی را مخابره می‌کند و با برج مراقبت در ارتباط است.

هم‌زمان، در آب‌های خلیج فارس، روی نمایشگرهای رادار ناو «یو.اس.اس وینسنس» هدفی در حال نزدیک شدن دیده می‌شود. ساعت ۱۰:۲۴ صبح؛ فرمان شلیک صادر می‌شود. موشکی از عرشهٔ ناو به سوی هواپیمای مسافربری ایران‌ایر شلیک می‌شود.



چند ثانیه بعد، پرواز ۶۵۵ از صفحه رادارها محو می‌شود.
۲۹۰ انسان جان می‌بازند.

تکه‌های هواپیما و پیکر قربانیان در آب‌های نیلگون خلیج فارس پراکنده می‌شود. عملیات جست‌وجو و جمع‌آوری اجساد تا ۵۲ روز ادامه پیدا می‌کند؛ اما از میان ۲۹۰ سرنشین هواپیما، تنها پیکر ۱۷۸ نفر پیدا می‌شود.

آمریکا مسئولیت حقوقی حادثه را نمی‌پذیرد و هیچ‌یک از خدمه و فرماندهان ناو وینسنس محاکمه نمی‌شوند. دو سال بعد؛ ویلیام راجرز، فرمانده ناو، مدال «لژیون لیاقت» دریافت می‌کند؛ اهدای این مدال زخمی دیگر بر قلب خانواده‌های قربانیان این حادثه بود. این روز در تقویم به‌عنوان روز افشای حقوق بشر آمریکایی نامگذاری شده است.

ارتباط آیه و مناسبت



نهادهای بین‌المللی که امروز خود را داور حقوق بشر جهان می‌دانند، برخلاف ادعا و شعارهایشان، صرفاً بر اساس منافع و دستورات قدرت‌های استکباری عمل می‌کنند. کارنامه‌شان گواه این مسئله دردناک است. این نهادها را قدرت‌های استعماری طراحی کردند تا هیچ‌گونه خطری



برای آن‌ها نداشته باشد و بی هیچ مزاحمتی سکان جهان را در دست بگیرند. حق وتوی شورای امنیت شاهکار این معماری است؛ ابزاری که با آن می‌توان هر محکومیتی را هر چقدر هم که مستند و بدیهی باشد خنثی کرد و دهه‌ها جنایت را بی‌پاسخ گذاشت.

آمریکا در جنگ ایران و عراق، صدام را با اطلاعات و سلاح حمایت کرد و حتی خود نیز به حمایت از او وارد جنگ با ایران شد. بعدها همین آمریکا با ادعای سلاح کشتار جمعی به عراق حمله کرد؛ سلاحی که هرگز پیدا نشد، اما صدها هزار کشته بر جا گذاشت. نه دادگاهی، نه پاسخگویی، نه حتی عذرخواهی.

تصویر کودکان غزه زیر آوار، دور دنیا می‌چرخد و همزمان همین دولت‌ها در مجامع بین‌المللی از «حق دفاع از خود» رژیم منحوس صهیونی حرف می‌زنند. در یمن، سال‌هاست رژیم آل سعود بمب‌هایی اروپایی و آمریکایی بر سر مردم می‌ریزد. سازمان ملل گزارش می‌دهد، ابراز نگرانی می‌کند، و همین‌جا متوقف می‌شود؛ چون بودجه این سازمان را همان‌هایی تأمین می‌کنند که باید پاسخگو باشند.

در مقابل، برای کشورهای که در محور مخالف قرار دارند، هر بهانه‌ای کافی است تا تحریم، فشار، محکومیت اعمال

شود. استانداردها بسته به این‌که طرف مقابل کیست عوض می‌شوند.

این دروغ بزرگ که حقوق بشر ارزشی جهانی و بی‌طرف است، شاید مؤثرترین ابزار سیاسی در دست قدرت‌های بزرگ باشد. اگرچه ساختارهای حقوقی بین‌المللی برای عاملان چنین جنایاتی مصونیت ایجاد می‌کنند و قدرت‌های بزرگ با اعطای مدال افتخار بر جنایات خود سرپوش می‌گذارند، اما این پایان ماجرا نیست. در دادگاه عدل الهی، نه وتو معنا دارد و نه قدرت نظامی شفاعت می‌کند. هر خونی که ریخته شد، ثبت است و در موعد خود، رسیدگی خواهد شد. و البته نظامیان و مدافعان اسلام که خون هم‌وطنانشان را ناموس خود می‌دانند، جنایات استکبار را بی‌پاسخ نخواهند گذاشت.

کلام معصوم



رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تُحْمَلُ عَلَى الْغَمَامِ؛ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ»^۱

۱. شهاب الأخبار؛ ج ۱، ص ۳۲۴.



پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «از نفرین ستمدیده بترسید؛ زیرا چنین دعایی بر ابرها سوار است؛ خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: به عزت و جلالم سوگند، یاریات خواهم کرد، هرچند پس از مدتی.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

دشمن را بشناسیم؛ دشمنان جهانی که خودشان را به وسیله انواع و اقسام اقلام آرایشی رسانه‌ای و تبلیغاتی بزرگ می‌کنند و در مقابل چشم قرار می‌دهند، بشناسیم؛ آمریکا را بشناسیم. در همین چند روز مشاهده کنید: هفتم تیر است، حادثه حزب ائتلاف افتاده است؛ در سال ۶۶ در همین روز هفتم تیر، حادثه بمباران شیمیایی سردشت ائتلاف افتاده است؛ بله، صدام آن کار را کرد، اما پشت سر صدام چه کسی بود؟ آمریکایی‌ها بودند، غربی‌ها بودند، همان کسانی بودند که بمب‌های شیمیایی را به او دادند، چراغ سبز هم به او دادند و در مقابل این جنایت بزرگ و این قتل عام عجیب سکوت هم کردند؛ در روز یازدهم تیر ترور شهید صدوقی است که این هم کار همین جنایت‌کاران است؛ در روز دوازدهم تیر حادثه اسقاط هواپیمای ایرباس

بر روی خلیج فارس است. از هفتم تیر تا دوازدهم تیر شما ببینید چقدر ترور، قتل عام و کشتار [انجام شد]؟ [چقدر] زن، کودک، عالم، سیاستمدار، به وسیله عوامل آمریکا آماج این جنایت‌ها قرار گرفتند؟ اگر طراح این حوادث هم سرویس‌های امنیتی آمریکا و غرب نبودند، حداقل کمک‌کننده بودند؛ حداقل تشویق‌کننده بودند. این دشمن‌ها را بشناسیم. به تعبیر بعضی دوستان، خوب است این هفتم تا دوازدهم تیر را هفته «حقوق بشر آمریکایی» اعلام بکنیم. آن کسانی که امروز سعی می‌کنند از این هیولا - که سیاست‌های آمریکایی و سیاست‌های بعضی از دنباله‌روان آمریکا است - یک چهرهٔ موجّهی معرّفی کنند، این‌ها دارند خیانت می‌کنند؛ این‌ها دارند جنایت می‌کنند. این کسانی که این حقیقت روشن را کتمان می‌کنند، این دشمنی خباثت‌آلود را در زیر پرده‌های توجیه می‌پوشانند، این‌ها دارند خیانت می‌کنند به این ملت. کشور ما و ملت ما احتیاج دارد دشمن را بشناسد، عمق دشمنی را بفهمد.^۱

۱. بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای استان تهران،

۱۳۹۴/۰۴/۰۶.



ایده‌های کنشگری



- در مسجد یا مدرسه یا محل خود، پوسترهایی از جنایات‌های حقوق بشری آمریکا و اروپایی‌ها در کشورهای مختلف جهان آماده کنید و نمایشگاهی از «حقوق بشر استعماری» برپا کنید.





۲۱ تیر - سالروز حمله به مسجد گوهرشاد و کشتار مردم به دست رضا خان - روز عفاف و حجاب

آیه محوری



﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمُ عَن دِينِكُمْ إِنِ
اسْتَطَاعُوا﴾؛ «و مشرکان پیوسته با شما می جنگند،
تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند.»

۱. سوره مبارکه بقره/۲۱۷.



دربارهٔ مناسبت



همه چیز از قانون متحدالشکل کردن لباس‌ها شروع شده بود که هویت و پوشش ملی را هدف قرار داده بود. حالا اما حکومت پهلوی اول قدم را فراتر گذاشته و اصرار دارد کلاه شاپورا همگانی کند. خفیه‌نویسان حکومتی در گزارش‌های خود می‌نویسند که متدینین بنای مخالفت گذاشته‌اند. جرقة اصلی ماجرا اما در شیراز زده می‌شود. جشنی در ۱۳ فروردین ۱۳۱۴ با حضور وزیر معارف برگزار می‌شود که در آن دخترانی مکشفه به رقص می‌پردازند. اعتراض علما به این ماجرا و دستگیری چندتن از آن‌ها اوضاع کشور را بیش از پیش ملتهب می‌سازد.

در مشهد، روحانیان با صدور اطلاعیه‌هایی مردم را به اعتصاب و تحصن در مسجد گوهرشاد فرا می‌خوانند. در همین گیرودار، خبر دستگیری شیخ محمدتقی بهلول آتش خشم مردم را شعله‌ور می‌کند. مردم پس از تجمعی طوفانی، در محل توقیف او را می‌شکنند و شیخ را آزاد می‌کنند. بهلول روی منبر می‌رود. شعارها علیه شاه دیوارهای مسجد گوهرشاد را می‌لرزاند.

بامداد جمعه، هم‌زمان با طنین اذان صبح، قشون نظامی



به تدریج بر مواضع حساس اطراف حرم مسلط می‌شوند. اولین تقابل خونین شکل می‌گیرد. مأموران می‌خواهند مانع ورود مردم از بیرون به داخل مسجد شوند. درگیری آغاز می‌شود و در این پیش‌درآمد خونین، ۲۲ تن جان می‌بازند؛ اما این پایان کار نیست.

روز شنبه فرا می‌رسد. شهر کاملاً تعطیل است و سیل جمعیت از روستاهای اطراف به سمت حرم سرازیر می‌شود. جمعیتی چند هزار نفره در مسجد گوهرشاد و صحن‌ها گرد آمده‌اند. خطبا دربارهٔ حجاب و پوشش و هویت‌زدایی اجباری پهلوی از ایران سخن می‌گویند. در تهران، رضاشاه تلگرافی فوری و تند به فرماندهان نظامی مشهد می‌فرستد: «اگر بیش از این مسامحه کنید، نه کلاه بر سر شما و نه تاج بر سر من باقی خواهد ماند. محرکین را دستگیر و مردم را متفرق کنید.» محمدولی خان اسدی، تولیت آستان قدس، با این بهانه که شاه خواسته‌ها را پذیرفته، علمای تراز اول را متقاعد می‌کند تا مسجد را ترک کنند. با خروج مراجع، بدنهٔ مردم بی‌دفاع در مسجد تنها می‌مانند.

نیمه‌شب شنبه طبق دستور نظمیه، تمام درها و راه‌های ورود و خروج مسجد گوهرشاد بسته می‌شود. مردم که خود را در محاصره می‌بینند، می‌کوشند تا راه فراری بیابند؛



در این بین، ناگهان دستور شلیک صادر می‌شود. صدای غرش تفنگ‌ها و رگبار گلوله‌ها، آرامش شبانه حرم را در هم می‌شکند. نظامیان با سرنیزه به جان مردم بی‌دفاع می‌افتند. فرشی از خون و پیکرهای پاره‌پاره، کف مسجد گوهرشاد را می‌پوشاند. صدای شلیک تا سپیده دم یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۱۴ ادامه می‌یابد تا این که مقاومت معترضان کاملاً در هم شکسته می‌شود.

هنوز آفتاب طلوع نکرده که کامیون‌های حکومتی برای پاکسازی صحنه جرم وارد می‌شوند. ابعاد فاجعه فراتر از حد تصور است. گزارش‌ها آمار کشته‌ها را حدود ۱۸۰۰ نفر ثبت کرده‌اند. مأموران حتی به مجروحان نیمه‌جان هم رحم نمی‌کنند و حدود ۷۰ نفر از کسانی را که زنده بودند یا جراحات سطحی داشتند، دستگیر و همراه با اجساد به گودال‌های دسته‌جمعی می‌فرستند.

غائله مسجد گوهرشاد این‌گونه با خون و وحشت بسته می‌شود، اما خاطره آن به عنوان سندی سرخ از ایستادگی در برابر دین‌زدایی و تغییر اجباری هویت در تاریخ ثبت شده است.



ارتباط آیه و مناسبت



کشتار بیست و یکم تیر در مسجد گوهرشاد را نمی‌توان در قاب تنازعی بر سر شکل کلاه تفسیر کرد؛ این نگاه هم ساده‌انگاری است و هم گریز از واقعیتی عمیق‌تر. جبهه‌بندی آن رویداد از جنس دیگری بود، از جنس همان کشاکش کهنی که به قدمت تاریخ بشر ادامه دارد: تقابل دیرینه جریان دین‌ستیزی با شریعت، با مناسک، با هر آنچه مظهر حضور دین در عرصه زندگی است.

هدف کلاه نبود بلکه حجاب و هویت جامعه بود؛ باورهایی بود که قرن‌ها در تاروپود جامعه‌ای دین‌مدار تنیده شده و آن جامعه را شکل داده بود. حکومت پهلوی آن روز از سر تکلیفی که اربابان استعماری‌اش برایش تعریف کرده بودند حرمت حرم رضوی را شکست و بر مردم بی‌دفاع آتش گشود. اربابانی که دین را مانع خویش می‌دیدند و می‌بینند و برای ازاله آن از هیچ ابزاری نمی‌گذرند: رسانه، سینما، اسلحه، مظلوم‌نمایی، زورگویی، دروغ، ترور و... .

سکوت در این جریان که دین را نشانه رفته است، عین همراهی است و نخستین عقب‌نشینی در برابر آن، آغاز سلسله‌ای از عقب‌نشینی‌هاست که پایانی نخواهد داشت.



کلام معصوم



النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ
كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ.»^۱

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «زمانی بر مردم خواهد آمد که
صبرکننده بر دینش مانند کسی است که آتش
افروخته را در مشت نگه داشته باشد.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

این خیلی مایه تأسف است که حادثه مسجد گوهرشاد با
این عظمت و با این اهمیت هیچ انعکاسی در تاریخ ما، در
ادبیات ما، در کتابهای رمان ما نداشته باشد.

قضیه مسجد گوهرشاد برای چه به وجود آمد؟ مرحوم
حاج آقا حسین قمی سر مسئله کشف حجاب گفت من
می‌روم با رضا شاه صحبت می‌کنم و مجبورش می‌کنم که
گوش کند. با همین نیت از مشهد بلند شد رفت تهران. و
بعد هم از همانجا ایشان را تبعید کردند به عراق. وقتی که

۱. جامع الأخبار؛ ج ۱، ص ۱۳۰.



ایشان در تهران بود، علمای مشهد در مسجد گوهرشاد جمع شدند برای این که بگویند که اولاً آقای حاج آقا حسین برگردند به مشهد؛ ثانیاً حرف‌هایی که ایشان خواسته‌اند، باید تحقق پیدا کند.

حالا من دیدم که دوستان اینجا «روضه‌خوانی ممنوع» را مطرح کرده بودند، اما «حجاب ممنوع» یک موضوع خیلی مهمی است. مسئله حجاب مخصوص مشهد و مسجد گوهرشاد هم نیست. یک قضیه وسیع همه جایی سراسری است در کشور و اقدامی که رضا شاه کرد و مواجهه‌هایی که با رضا شاه شد.

یک مسئله دیگر آن‌هایی‌اند که نقش‌آفرینی کردند. شخصیت‌های فرهنگی معروف زمان رضا شاه، مثلاً علی اصغر حکمت در قضیه کشف حجاب نقش ایفا کردند، نقش استعماری ایفا کردند، یعنی آن پشت جبهه حقیقی رضا شاه این‌ها بودند. رضا شاه تفنگ دستش بوده و این‌ها کسانی بوده‌اند که فکر می‌ساختند و به رضا شاه جهت‌گیری می‌دادند که او تفنگ را کجا به کار ببرد. به نظر من این شخصیت‌های فرهنگی خیلی مؤثرند، چهره‌های این‌ها شناخته بشود.^۱

۱. بیانات پس از بازدید از نمایشگاه «حماسه گوهرشاد»، ۱۳۹۶/۰۷/۰۸.



ایده‌های کنشگری



- در رابطه با قیام گوهرشاد و حوادث آن سال‌ها، رهبر شهید به دو کتاب قیام گوهرشاد نوشته سينا واحد و بر بامهای متصل نوشته عبدالله اسفندیاری و خاطرات شیخ محمدتقی بهلول اشاره کردند. می‌توانید آن‌ها را در جلسه خود معرفی کنید.
- بیان شباهت‌ها، ریشه‌ها و شخصیت‌های اثرگذار در کشف حجاب اجباری رضاخانی و جریان حجاب‌زدایی و حیازدایی در شبکه‌های معاند و ضدانقلاب می‌تواند برای شناخت یکی بودن آبشخور این تفکر مؤثر باشد.





مناسبت‌های قمری

۹ و ۱۰ محرم: تاسوعا و عاشورای حسینی

۱۲ محرم: شهادت امام زین العابدین علیه السلام



۹ و ۱۰ محرم - تاسوعا و عاشورای حسینی

آیه محوری



﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا﴾؛ « و آن
که مظلوم کشته شود، به طالب خون او قدرت
بخشیده ایم.»

۱. سوره مبارکه اسراء/۳۳.



دربارهٔ مناسبت



سر آن که جهاد فی سبیل الله با هجرت آغاز می‌شود در کجاست؟ طبیعت بشری در جست‌وجوی راحت و فراغت است و سامان و قرار می‌طلبد. یاران! سخن از اهل فسق و بندگان لذت نیست، سخن از آنان است که اسلام آورده‌اند اما در جست‌وجوی حقیقت ایمان نیستند. کنج فراغتی و رزقی مکفی... دلخوش به نمازی غراب‌وار و دعایی که بر زبان می‌گذرد اما ریشه‌اش در دل نیست، در باد است. در جست‌وجوی مأمنی که او را از مکر خدا پناه دهد؛ در جست‌وجوی غفلت‌کده‌ای که او را از ابتلائات ایمانی ایمن سازد، غافل که خانهٔ غفلت پوشالی است و ابتلائات دهر، طوفانی است که صخره‌های بلند را نیز خرد می‌کند و در مسیر دره‌ها آن‌همه می‌غلتاند تا پیوسته به خاک شود.

اگر کشاکش ابتلائات است که مرد می‌سازد، پس یاران دل از سامان برکنیم و روی به راه نهیم. بگذار عبدالله بن عمر ما را از عاقبت کار بترساند. اگر رسم مردانگی سرباختن است، ما نیز چون سیدالشهداء علیه السلام او را پاسخ خواهیم گفت که: «ای پدر عبدالرحمن، آیا ندانسته‌ای که از نشانه‌های حقارت دنیا در نزد حق این است که سر مبارک یحیی بن زکریا را



برای زنی روسپی از قوم بنی اسرائیل پیشکش بردند؟ آیا نمی‌دانی که بر بنی اسرائیل زمانی گذشت که مابین طلوع فجر و طلوع شمس هفتاد پیامبر را کشتند و آن‌گاه در بازارهایشان به خرید و فروش می‌نشستند، آن‌سان که گویی هیچ چیز رخ نداده است! و خدا نیز ایشان را تا روز مؤاخذه مهلت داد.» اما وای از آن مؤاخذه‌ای که خداوند خود این چنینش توصیف کرده است: ﴿أَخَذَ عَزِيزٌ مُّقْتَدِرٌ﴾.

خون حسین و اصحابش کهکشانی است که بر آسمان دنیا راه قبله را می‌نمایاند. بگذار اصحاب دنیا ندانند. کرم لجن‌زار چگونه بداند که بیرون از دنیایی که او تن می‌پرورد چیست؟ زمین و آسمان او همان است، و اگر او را از آن لجن‌زار بیرون کشند، می‌میرد. امت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را آن روز جز حسین عَلَيْهِ السَّلَام ملجأ و پناهی نبود. چه خود بدانند و چه ندانند، چه شکر نعمت بگذارند و چه نگزارند. واقعه‌ی عاشورا دروازه‌ای از نور است که آنان را از ظلم‌آباد یزیدیان به نورآباد عشق رهنمون می‌شود... اگر نبود خون حسین عَلَيْهِ السَّلَام، خورشید سرد می‌شد و دیگر در آفاق جاودانه‌ی شب نشانی از نور باقی نمی‌ماند... حسین عَلَيْهِ السَّلَام چشمه‌ی خورشید است.



یاران! این قافله، قافلهٔ عشق است و این راه که به سرزمین طف در کرانهٔ فرات می‌رسد، راه تاریخ است و هر بامداد این بانگ از آسمان می‌رسد که: «الرَّحِيلُ، الرَّحِيلُ». از رحمت خدا دور است که این باب شیدایی را بر مشتاقان لقای خویش ببندد. این دعوتِ فیضانی است که علی الدوام زمینیان را به سوی آسمان می‌کشد و ... بدان که سینهٔ تو نیز آسمانی لایتناهی است با قلبی که در آن، چشمهٔ خورشید می‌جوشد و گوش کن که چه خوش ترنمی دارد در تپیدن: حسین، حسین، حسین، حسین. نمی‌تپد، حسین حسین می‌کند. یاران! شتاب کنید که زمین نه جای ماندن، که گذرگاه است... گذر از نفس به سوی رضوان حق. هیچ شنیده‌ای که کسی در گذرگاه رحل اقامت بیفکند؟... و مرگ نیز در اینجا همان همه با تو نزدیک است که در کربلا، و کدام انیسی از مرگ شایسته‌تر؟ که اگر دهر بخواهد با کسی وفا کند و او را از مرگ معاف دارد، حسین که از من و تو شایسته‌تر است. الرَّحِيلُ، الرَّحِيلُ! یاران شتاب کنید.

قافلهٔ عشق در سفر تاریخ است و این تفسیری است بر آنچه فرموده‌اند: «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءٍ وَ كُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءٍ»... این سخنی است که پشت شیطان را می‌لرزاند و یاران حق

را به فیضان دائم رحمت او امیدوار می‌سازد.
 ... و تو، ای آن که در سال شصت و یکم هجری هنوز در ذخایر
 تقدیر نهفته بوده‌ای و اکنون، در این دوران جاهلیت ثانی
 و عصر توبه بشریت پای به سیاره زمین نهاده‌ای، نومید
 مشو که تو را نیز عاشورایی است و کربلایی که تشنه خون
 توست و انتظار می‌کشد تا تو زنجیر خاک از پای اراده‌ات
 بگشایی و از خود و دلبستگی‌هایش هجرت کنی و به کهف
 حصینِ لازمان و لامکان ولایت ملحق شوی و فراتر از زمان
 و مکان، خود را به قافله سال شصت و یکم هجری برسانی
 و در رکاب امام عشق به شهادت رسی... .

یاران! شتاب کنید، قافله در راه است. می‌گویند که گناهکاران
 را نمی‌پذیرند؟ آری، گناهکاران را در این قافله راهی نیست...
 اما پشیمانان را می‌پذیرند. آدم نیز در این قافله ملازم رکاب
 حسین علیه السلام است، که او سرسلسله خیل پشیمانان است،
 و اگر نبود باب توبه‌ای که خداوند با خون حسین علیه السلام میان
 زمین و آسمان گشوده است، آدم نیز دهشت زده و رها شده
 و سرگردان در این برهوت گمگشتگی وا می‌ماند.

امام ایستاد و خطبه‌ای کربلایی خواند: «اما بعد... می‌بینید
 که کار دنیا به کجا کشیده است! جهان تغییر یافته، منکر



روی کرده است و معروف چهره پوشانده و از آن جز ته ماندهٔ ظرفی، خرده نانی و یا چراگاهی کم مایه باقی نمانده است.»

«زنهار! آیا نمی بینید حق را که بدان عمل نمی شود و باطل را که از آن نهی نمی گردد تا مؤمن به لقای خدا مشتاق شود؟ پس اگر این چنین است، من در مرگ جز سعادت نمی بینم و در زندگی با ظالمان جز ملالت. مردم بندگان حلقه به گوش دنیا هستند و دین جز بر زبانشان نیست؛ آن را تا آنجا پاس می دارند که معایش ایشان از قِبَل آن می رسد، اگر نه، چون به بلا امتحان شوند، چه کم هستند دین داران.»

اینک زمین در سفر آسمانی خویش به عصر تاسوعا رسیده است و خورشید از امام اذن گرفته که غروب کند. دیگر تا آن نبأ عظیم اندک فاصله ای بیش نمانده است و زمین و آسمان در انتظارند. فرات تشنه است و بیابان از فرات تشنه تر و امام از هر دو تشنه تر. فرات تشنهٔ مشک های اهل حرم است و بیابان تشنهٔ خون امام و امام از هر دو تشنه تر است؛ اما نه آن تشنگی که با آب سیراب شود... او سرچشمهٔ تشنگی است، و می دانی، رازها را همه در خزانهٔ مکتومی نهاده اند که جز با مفتاح تشنگی گشوده نمی شود. امام سرچشمهٔ راز است و بیابان طف، عرصه ای

که مکنونات حجاب تکوین را بی‌پرده می‌نماید. مگر نه این‌که اینجا را عالم شهادت می‌نامند؟ و مگر از این فاش‌تر هم می‌توان گفت؟

غروب تاسوعا نزدیک است و امام بر مدخل سراپرده راز، تکیه بر شمشیر زده و در ملکوت می‌نگرد. عمر سعد فرمان داده است: «یا خیل الله! بر مرکب‌ها سوار شوید؛ بشارت باد شما را به بهشت!» و آن گمگشتگان برهوت وهم، سپاه شیطان، بر اسب‌ها نشسته‌اند تا به اردوی آل‌الله حمله برند، و هیاهوی آنان بادیه را سراسر از هول آکنده است.

زینب کبری علیها السلام خود را به خیمه امام رساند و او را دید بر در خیمه، تکیه بر شمشیر زده، چشم بر هم نهاده است. رسول الله صلی الله علیه و آله آمده بود تا او را بشارت دیدار دهد. امام سر برداشت و به گنجینه دار عالم رنج نگریست: «رسول الله صلی الله علیه و آله را به خواب دیدم که می‌گفت: زود است که به ما الحاق خواهی یافت.» ... و طور قلب زینب از این تجلی در خود فرو ریخت.

آل کسا در انتظار خامس خویشند، تا روز بعثت به غروب عاشورا پایان گیرد و خورشید رحمت نبوی در افق خونین تاریخ غروب کند و شب آغاز شود... شب نعمتی که در باطن رحمت حق پنهان بود؛ شبی دراز و دیجور؛ شب ظلمتی که

نور تنها از اختران امامت می‌گیرد، و چقدر این اختران از
کره زمین دورند!

آن‌گاه حسین بن علی علیه السلام فرمود: «برخیزید ای کرامت‌مندان
به سوی مرگی که از آن گریزی نیست. و این تیرها پیک‌های
مرگ است که از جانب این قوم می‌آیند. اما والله، بین شما و
بهشت رضوان و جهنم فاصله‌ای نیست مگر همین مرگ،
که شما را به بهشتتان می‌رساند و اینان را به دوزخشان.»

عالم همه در طواف عشق است و دایره‌دار این طواف،
حسین است. اینجا در کربلا، در سرچشمه جاذبه‌ای که
عالم را بر محور عشق نظام داده است، شیطان اکنون در
گیرودار آخرین نبرد خویش با سپاه عشق است و امروز در
کربلاست که شمشیر شیطان از خون شکست می‌خورد؛
از خون عاشق، خون شهید.

آن‌گاه اصحاب عاشورایی امام عشق به آخرین نماز خویش
ایستادند و سفر معراج پایان گرفت.^۱

۱. برگرفته از کتاب **فتح خون**، سیدمرتضی آوینی.

کلام معصوم



أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هُوَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ مَظْلُومًا وَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُهُ، وَ الْقَائِمُ مِنَّا إِذَا قَامَ طَلَبَ بِثَارِ الْحُسَيْنِ فَيَقْتُلُ حَتَّى يُقَالَ: قَدْ أَسْرَفَ فِي الْقَتْلِ.»^۱

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ: «او حسین بن علی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ است که مظلومانه کشته شد و ما اولیای اویم. و قائم ما -آن گاه که قیام کند- خون حسین را طلب می‌کند و چندان می‌کشد که گفته شود در کشتن زیاده روی کرد.»

عزم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

تمام راه‌هایی که می‌شود فرزند پیغمبر از آن راه‌ها استفاده کند برای حفظ میراث عظیم اسلام - که میراث جد او و پدر او و پیروان راستین آن‌هاست - در زندگی سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَامُ محسوس است؛ از تبیین و انداز، از تحرک تبلیغاتی، از بیدار کردن و حساس کردن وجدان‌های عناصر خاص

۱. بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۲۱۸.



-همین خواص که ما تعبیر می‌کنیم- در آن خطبهٔ منا، این‌ها همه در طول زندگی سیدالشهداء علیه السلام است. بعد هم ایستادگی در مقابل یک انحراف بزرگ با قصد مجاهدت با جان؛ نه این‌که امام حسین علیه السلام از سرنوشت این حرکت بی‌اطلاع بود؛ نه، این‌ها امام بودند. مسئلهٔ معرفت امام و علم امام و آگاهی وسیع امام بالاتر از این حرف‌هایی است که ماها در ذهنمان می‌گنجد؛ بلکه به معنای ترسیم یک دستورالعمل می‌ایستد، تسلیم نمی‌شود، مردم را به یاری می‌طلبد، بعد هم وقتی یک‌عده‌ای پیدا می‌شوند -که همان اهل کوفه باشند- و اظهار می‌کنند که حاضرند در کنار آن بزرگوار در این راه قدم بگذارند، حضرت درخواست آن‌ها را اجابت می‌کند و به طرف آن‌ها می‌رود؛ بعد هم در میانهٔ راه پشیمان نمی‌شود. بیانات امام را که انسان نگاه می‌کند، می‌بیند حضرت عازم و جازم بوده است برای این‌که این کار را به پایان ببرد. این‌که در مقابلهٔ با حرکت انحرافی فوق‌العاده خطرناک آن روز، امام حسین علیه السلام می‌ایستد، این می‌شود یک درس، که خود آن بزرگوار هم همین را تکرار کردند؛ یعنی کار خودشان را به دستور اسلام مستند کردند: «انّ رسول الله قال: من رأى سلطانا جائرا مستحلاً لحرمات الله ناکثا لعهد الله مخالفا لسنة رسول الله يعمل



فی عبادالله بالاثم و العدوان فلم یغیر علیه بفعل و لا قول
 کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله؛ حضرت این را بیان
 کردند. یعنی من وظیفه‌ام این است، کاری که دارم انجام
 می‌دهم، بایستی ابراز مخالفت کنم، باید در جادهٔ مخالفت
 و ایستادگی قدم بگذارم، سرنوشت هرچه شد، بشود؛ اگر
 سرنوشت پیروزی بود، چه بهتر؛ اگر شهادت بود، باز هم
 چه بهتر. یعنی این جوری امام حسین علیه السلام حرکت کردند.

این شد ایثار کامل و اسلام را هم حفظ کرد. همین حرکت،
 اسلام را حفظ کرد. همین حرکت موجب شد که ارزش‌ها در
 جامعه پایدار بشوند، بمانند. اگر این خطر را نمی‌پذیرفت،
 حرکت نمی‌کرد، اقدام نمی‌کرد، خونش ریخته نمی‌شد،
 آن فجایع عظیم برای حرم پیغمبر، دختر امیرالمؤمنین و
 فرزندان خاندان پیغمبر پیش نمی‌آمد، این واقعه در تاریخ
 نمی‌ماند. این حادثه‌ای که می‌توانست جلوی آن انحراف
 عظیم را بگیرد، باید به همان عظمت آن انحراف در ذهن
 جامعه و تاریخ، شوک ایجاد می‌کرد و کرد. این فداکاری امام
 حسین علیه السلام است.^۱

۱. بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ۱۳/۰۴/۱۳۹۰.



۱۲ محرم - شهادت امام زین العابدین علیه السلام

آیه محوری



﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾^۱
«بگو: این راه من است. من و پیروانم، همگان را در
عین بصیرت به سوی خدا می خوانیم.»

۱. سوره مبارکه یوسف/۱۰۸.



دربارهٔ مناسبت



علی بن الحسین بن علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام مشهور به زین‌العابدین، چهارمین امام و پیشوای شیعیان امامیه است که بنا بر قول مشهور در سال ۳۸ هجری قمری متولد شدند. مادر بزرگوار ایشان بر اساس گزارش‌ها، شهربانو دختر یزدگرد پادشاه ایران بوده است.

امام سجاد علیه‌السلام که بخشی از حیات جدش امام علی علیه‌السلام و دوران امامت امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام را درک کرده بود، پس از فاجعهٔ جان‌سوز عاشورای سال ۶۱ قمری، پیشوایی امت را به مدت ۳۴ سال تا زمان شهادتش بر عهده داشت؛ هرچند حاکمان جائر زمانه - از یزید بن معاویه و مروان بن حکم گرفته تا عبدالملک و ولید بن عبدالملک - همواره تلاش کردند این هدایت را محدود سازند.

حیات امام زین‌العابدین علیه‌السلام با بزرگ‌ترین فاجعهٔ تاریخ اسلام - واقعهٔ کربلا - گره خورده است. ایشان در روز عاشورا به حکمت و تقدیر الهی، به شدت بیمار شد تا از جهاد معاف گردد و بدین ترتیب، زنجیرهٔ هدایت شیعه از شر دشمنان مصون بماند. پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام، لشکر کفرپیشهٔ اموی ایشان را با سایر اسیران به کوفه و



سپس به شام برد. در این دوران، اسارت اهل بیت مأموریتی تبیینی یافت و خطبه حماسی و کوبنده امام سجاد علیه السلام در مسجد اموی دمشق، تبلیغات دروغین امویان را که امام را خارجی معرفی می‌کردند، در هم کوبید و مردم را از جایگاه ولای خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله آگاه ساخت. پس از بازگشت به مدینه نیز، ایشان با ایراد خطبه‌های بیدارگر در دروازه شهر و عزاداری مداوم بر مصائب کربلا، یاد شهدای عاشورا را جاودانه ساخت.

دوران امامت امام سجاد علیه السلام با خفقان شدید و قیام‌های متعددی هم‌زمان بود که حضرت با درایت و تقیه، موجودیت تشیع را در میان آن‌ها حفظ کرد. در واقعه حره که مردم مدینه علیه امویان شورش کردند، امام به دلیل ماهیت جناح‌گرایانه و غیرشیعی قیام و ضرورت حفظ بقایای جامعه شیعه، از همراهی با آنان خودداری کرد؛ با این حال، سیره ولای انسانی حضرت سبب شد که در این حادثه صدها خانواده بی‌پناه را تحت کفالت خود درآورند. همچنین در قیام توابین و قیام مختار ثقفی، اگرچه هدف کلی خون‌خواهی امام حسین علیه السلام بود، اما امام به دلیل شرایط سخت و ضرورت‌های راهبردی، رابطه سیاسی آشکاری با آنان برقرار نکرد تا محوریت هدایت شیعه از آسیب‌ها مصون بماند، اگرچه مجازات قاتلان کربلا توسط مختار موجب خشنودی



خاطر مبارک ایشان شد.

ایشان به سبب ورع و عبادات بی‌ماندشان به «زین العابدین» و «سیدالسادین» ملقب گشتند. کمک‌های شبانه و مخفیانه امام به فقرای مدینه نیز زبانزد همگان بود؛ بار سنگین کیسه‌های غذا بر دوش مبارک حضرت چنان اثری نهاده بود که پس از شهادت و در وقت غسل نمایان شد و دیگران دریافتند که هزینه چندصد خانوار محروم را تأمین می‌کرده‌اند. همچنین، ایشان با خریدن، آموزش اسلامی و سپس آزاد کردن بردگان، نظام تربیتی عمیقی را برای طبقات مستضعف جامعه پایه‌گذاری نمودند.

میراث علمی و معنوی امام سجاد علیه السلام در دوران انسداد سیاسی، در قالب ادعیه و متون تربیتی تجلی یافت تا معارف اصیل اسلام حفظ شود. کتاب شریف صحیفه سجادیه که به «زبور آل محمد» معروف است، مجموعه‌ای از عمیق‌ترین معارف توحیدی، اخلاقی و شیوه زندگی اجتماعی و سیاسی را در خود جای داده است و «رساله حقوق» ایشان با تبیین بیش از پنجاه حق الهی و انسانی، منشور اخلاقی بی‌نظیری را به یادگار گذاشت که در کنار دعای ابو حمزه ثمالی و زیارت معتبر امین‌الله، گنجینه‌ای بی‌پایان برای تشنه‌کامان

حقیقت است.

سرانجام، کمالات روحی و افشاگری‌های پنهان و آشکار امام برای دستگاه حاکم اموی قابل تحمل نبود و ایشان به دستور ولید بن عبدالملک با سم به شهادت رسیدند. پیکر مطهر چهارمین امام شیعیان در سن ۵۷ سالگی در قبرستان بقیع مدینه و در کنار قبر عموی بزرگوارش، امام حسن مجتبی علیه السلام به خاک سپرده شد.

ارتباط آیه و مناسبت



حادثه عظیم عاشورا پایان ماجرا نبود، بلکه آغاز یک عملیات بزرگ و پیچیده در هندسه هدایت الهی بود؛ انفجاری در قلب تاریخ که مدیریت امتداد آن، رسالتی به مراتب دشوارتر، دقیق‌تر و ظریف‌تر را می‌طلبید. پس از کربلا، جامعه اسلامی دچار یک شوک روانی و انسداد مطلق سیاسی شده بود. کیان تشیع آسیب جدی دیده بود و اتمسفر خفقان و استبداد اموی، چنان تازیانه‌ای بر پیکر معرفت جامعه می‌نواخت که سخن‌گفتن از حق جرمی نابخشودنی به شمار می‌رفت. در چنین شرایط وحشت‌زایی، امام چهارم نمی‌توانست و نباید به روش‌های متعارف بسنده می‌کرد؛ چرا که راهبرد دشمن، انهدام کامل ریشه‌های معرفتی



شیعه و مسخ توحید بود.

امام با بصیرتی فراتر از هیجانات زودگذر و موج‌های احساسی زمانه، افق‌های دوردست تمدنی را می‌دید و بایک‌کنشگری فعالانه و نامتقارن، جبهه مبارزه را تغییر داد. در حالی که جامعه لبریز از خشم بود و قیام‌های متعددی با شعارهای تند شکل می‌گرفت، امام با کناره‌گیری آگاهانه از این جنبش‌ها، هسته سخت مقاومت فرهنگی و کادرسازی شیعه را حفاظت کرد. حضرت به‌خوبی می‌دانست که در جنگ نابرابر، نباید در زمین بازی دشمن و با قواعد او وارد نبرد شد. دشمن می‌خواست با کشاندن امام به مسلخ یک قیام نظامی پیش‌رس، ریشه امامت را برای همیشه قطع کند، اما امام با سلاح ادعیه در صحیفه سجادیه و از طریق کادرسازی این کید دشمن را خنثی نمود.

کلام معصوم



عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ حَبِّبِي إِلَى خَلْقِي وَحَبِّبِ الْخَلْقَ إِلَيَّ قَالَ يَا رَبِّ كَيْفَ أَفْعَلُ قَالَ ذَكَرَهُمْ آلَائِي وَنَعَمَائِي لِيُحِبُّونِي فَلَأَنَّ



تَرُدَّ أَبْقَاً عَنِ بَابِي أَوْ ضَالًّا عَنِ فِنَائِي أَفْضَلُ لَكَ مِنْ عِبَادَةِ
مِائَةِ سَنَةٍ بِصِيَامِ نَهَارِهَا وَ قِيَامِ لَيْلِهَا قَالَ مُوسَى عَلَيْهِ
السَّلَامُ وَمَنْ هَذَا الْعَبْدُ الْأَبْقُ مِنْكَ قَالَ الْعَاصِي الْمُتَمَرِّدُ
قَالَ فَمَنْ الضَّالُّ عَنِ فِنَائِكَ قَالَ الْجَاهِلُ بِإِمَامِ زَمَانِهِ
فَيَعْرِفُهُ وَالْغَائِبُ عَنْهُ بَعْدَ مَا عَرَفَهُ الْجَاهِلُ بِشَرِيعَةِ دِينِهِ
وَبِمَنْ يُعْرِفُهُ شَرِيعَتَهُ وَمَا يَعْبُدُ بِهِ رَبَّهُ وَيَتَوَسَّلُ بِهِ إِلَى
مَرْضَاتِهِ.»^۱

امام سجاد عليه السلام: «خداوند عزوجل به موسی عليه السلام وحی کرد: مرا به خلقم محبوب کن و خلق را به من محبوب کن. موسی گفت: پروردگارا، چگونه این کار را کنم؟ فرمود: نعمت‌ها و عطاهایم را به یادشان بیاور تا مرا دوست بدانند - که بازگرداندن بنده‌ای گریخته از درگاهم، یا گمشده‌ای سرگردان از آستانم، برای تو برتر است از عبادت صد سال که روزهایش را روزه باشی و شب‌هایش را به نماز بایستی. موسی عليه السلام گفت: این بنده گریخته از تو کیست؟ فرمود: گناهکار سرکش. گفت: و گمشده از آستانت کیست؟ فرمود: آن که به امام زمانش

۱. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر؛ ج ۲، ص ۱۰۸.

جاهل است، پس باید او را بشناسد؛ و آن که پس از شناختن از او غایب مانده؛ و آن که به شریعت دینش جاهل است و نمی‌داند چه کسی شریعت را به او می‌شناساند و چگونه پروردگارش را عبادت کند و به رضایت او تقرب جوید.»

عصم سخن رهبر شهید رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ

حادثه کربلا یک تکان سختی در ارکان شیعه بلکه در همه جای دنیای اسلام داد؛ قتل و تعقیب و شکنجه و ظلم سابقه داشت اما کشتن پسر پیغمبر و اسارت خانواده پیغمبر و بردن این‌ها شهر به شهر و بر نیزه کردن سر عزیز زهرا که هنوز بودند کسانی که بوسه پیغمبر بر آن لب و دهان را دیده بودند، چیزی بود که دنیای اسلام را مبهوت کرد؛ کسی باور نمی‌کرد که کار به اینجا برسد.

ناگهان احساس شد که سیاست، سیاست دگری است؛ سخت‌گیری از آنچه تا حالا حدس زده می‌شد، بالاتر است؛ چیزهای تصوّر نشدنی تصوّر شد و انجام شد؛ لذا یک رعب شدیدی تمام دنیای اسلام را گرفت.

یک عامل دیگر در کنار این رعب به وجود آمد و آن، انحطاط

فکری مردم در سرتاسر دنیای اسلام بود که ناشی بود از بی‌اعتنایی به تعلیمات دین در دوران بیست‌ساله گذشته. از بس تعلیم دین و تعلیم ایمان و تفسیر آیات و بیان حقایق از زبان پیغمبر، در دوران بیست سال بعد از سال ۴۰ هجری به این طرف مهجور شد، مردم از لحاظ اعتقادات و مایه‌های ایمانی به شدت پوچ و توخالی شده بودند. کار به جایی رسیده بود که حتی بعضی از ایادی دستگاه خلافت، نبوت را زیر سؤال می‌بردند.

بنده در مطالعه کتاب **اغانی** ابوالفرج به یک نکته‌ای توجه کردم و آن این است که در همین سال‌های حدود هشتاد و نود، و تقریباً تا پنجاه شصت سال بعد از آن، بزرگ‌ترین خواننده‌ها و نوازنده‌ها و عیاش‌ها و عشرت‌طلب‌های دنیای اسلام، یا مال مدینه‌اند یا مال مکه! هر وقت خلیفه در شام دلش برای غناء تنگ می‌شد و یک خواننده و نوازنده‌ای می‌خواست، می‌فرستاد تا از مدینه یا مکه، خواننده‌ها و نوازنده‌های معروف را، مغنی‌ها و خنیاگران را ببرند برای او؛ بدترین و هرزه‌دراترین شعرا در مکه و مدینه بودند؛ مهبط وحی پیغمبر و زادگاه اسلام، شده بود مرکز فحشا و فساد. خب، [آن] وضع فکری، این وضع فساد اخلاقی؛ وضع فساد سیاسی هم یک عامل دیگر است. اغلب شخصیت‌های

بزرگ، سر در آخور تمثیلات مادی‌ای که به‌وسیلهٔ رجال حکومت برآورده می‌شد، داشتند. نقل می‌کند از امام سجّاد علیه السلام که فرمودند: «مَا بِمَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ عِشْرُونَ رَجُلًا يُحِبُّنَا»؛ بیست نفر در همهٔ مکه و مدینه نیستند که ما را دوست داشته باشند؛ این وضع دوران امام سجّاد علیه السلام است در آن وقتی که ایشان می‌خواهد شروع کند به این کار عظیم. و این همان دورانی است که امام صادق علیه السلام بعدها فرمودند که «ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ إِلَّا ثَلَاثَةً» بعد از ماجرای عاشورا فقط سه نفر ماندند.

حالا امام سجّاد باید چه کار کند؟ امام سجّاد اگر بخواهد آن هدف را تعقیب کند، سه مسئولیت بر دوش او است: اولاً باید معارف دین را به مردم زمان خودش یاد بدهد. ما اگر بخواهیم یک حکومت اسلامی به وجود بیاوریم، امکان ندارد که بدون این که مردم را با معارف دینی آشنا کرده باشیم، بتوانیم امید داشته باشیم که یک حکومت به وجود بیاید؛ بنابراین اول کار این است که معارف دینی به مردم تعلیم داده بشود.

کار دوّم این است که به‌خصوص مسئلهٔ امامت که یک مسئلهٔ مهجوری شده و از ذهن‌ها به‌کلی دور شده یا بد معنا شده، برای مردم و در ذهن‌های مردم دوباره بازسازی

بشود؛ امامت یعنی چه؟ چه کسی باید امام باشد؟ امام چه شرایطی دارد؟ این هم یک کار دیگر؛ چون بالأخره جامعه امام داشت، عبدالملک امام بود و مردم او را امام می‌دانستند، پیشوای جامعه بود. امام سجّاد باید برای مردم معنای امامت را، جهت امامت را، شرایط امامت را، آن چیزهایی که امام ناگزیر از آنها است و آن چیزهایی را که اگر نباشد کسی نمی‌تواند امام باشد، برای مردم تشریح کند و تبیین کند.

و سوّم این که بگوید من امامم، یعنی آن کسی که باید در آنجا قرار بگیرد منم؛ این سه کار را امام سجّاد علیه السلام باید می‌کرد. بیشترین [زمان] تلاش امام سجّاد علیه السلام، روی آن کار اوّل گذشت چون همان طور که گفتیم، زمینه، زمینه‌ای بود که نوبت به مسئله «من امامم» نمی‌رسید؛ باید دین مردم درست می‌شد، باید اخلاق مردم درست می‌شد، باید مردم از این غرقاب فساد بیرون می‌آمدند، باید جهت‌گیری معنوی - که لبّ لباب دین و روح اصلی دین همان جهت‌گیری معنوی است - دوباره در جامعه احیا می‌شد؛ لذا شما نگاه که می‌کنید، می‌بینید کلمات امام سجّاد علیه السلام، بیشترینش زهد است، بیشترینش معارف است، امّا معارف را هم باز در لباس دعا [مطرح کردند]؛ چون همان طور که گفتیم،



اختناق در آن دوران و نامساعد بودن وقت، اجازه نمی‌داد که امام سجّاد علیه السلام بخواهند با آن مردم بی‌پرده و صریح و روشن حرف بزنند؛ نه فقط دستگاہ‌ها نمی‌گذاشتند، [بلکه] مردم هم نمی‌خواستند؛ اصلاً آن جامعه، یک جامعه نالایق و تباه‌شده و ضایع‌شده‌ای بود که باید بازسازی می‌شد. از سال ۶۱ تا ۹۵، ۳۴ سال زندگی امام سجّاد علیه السلام این جوری گذشت. البتّه هرچه گذشته، وضع بهتر شده؛ لذا در همان حدیث «ارْتَدَّ النَّاسُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ» از امام صادق علیه السلام، در دنباله‌اش دارد: «ثُمَّ إِنَّ النَّاسَ لَحِقُّوا وَ كَثُرُوا»، بعد مردم ملحق شدند؛ و ما می‌بینیم که همین جور است و دوران امام باقر علیه السلام که می‌رسد وضع فرق کرده بود؛ این به خاطر زحمات ۳۵ ساله‌ی امام سجّاد علیه السلام است.^۱

ایده‌های کنشگری



- صحیفه سجّادیه مهم‌ترین یادگار امام سجّاد علیه السلام است. می‌توانید در هر جلسه، به فراخور موضوعات روز و مناسبت‌ها، یک دعا را انتخاب کرده و در جلسه بخوانید تا بیش‌تر با معارف و اندیشه‌های اهل بیت علیهم السلام آشنا شوید.

۱. بیانات در مراسم افتتاحیه کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام در مشهد، ۱۳۶۵/۰۴/۲۸.



عَدُوٌّ مُرِيدٌ
مُؤْمِنٌ مُتَّقٍ
وَعَلِيٌّ